

زیان‌کاران حقیقی

امام کاظم(ع):
مَن استَوی یَوماهُ فهُو مَغبونٌ، و مَن کانَ آخِرُ یَومَیهِ شَرَّهُما فهُو مَلعونٌ، و مَن لم یَعرِف الزِّیادَةَ فی نفسه فهُو فی نُقصان، و مَن کانَ إلی النُّقصانِ فالمَوتُ خَیرٌ لَهُ مِنَ الحیاةِ.
کسی که دو روزش با هم برابر باشد، زیان کار است. کسی که امروزش بدتر از دیروزش باشد، از رحمت خدا به دور است. کسی که رشد و بالندگی در خود نیابد، به سوی کاستی‌ها می‌رود و آن که در راه کاستی و نقصان گام برمی‌دارد مرگ برایش بهتر از زندگی است (چراکه زندگی او باعث عذاب بیشتر در آخرت می‌شود!)
منبع: بحار الأنوار، جلد ۷۸
صفحه ۳۲۷



نگران‌کننده‌تر از سلب توفیق اجابت

حضرت آیت‌الله شهید سیدعلی خامنه‌ای(ره):
نمی‌دانم این روایت از معصوم(ع) است یا عبارتی از غیر معصوم؛ هر چه هست، عبارت حکمت‌آمیزی است. می گوید:«انا من ان اسلب الدّعا اخوف من ان اسلب الاجابة»، «از این که دعا از من گرفته شود بیشتر می‌ترسم تا این که اجابت از من گرفته شود.» گاهی حال دعا از انسان گرفته می‌شود. این، علامت بدی است. اگر دیدیم در وقت دعا، در وقت تضرع و در وقت توجه و تقرب، هیچ نشاط و حوصله دعا نداریم، علامت خوبی نیست. البته درستش هم می‌شود کرد. انسان می‌تواند با توجه، با التماس و با خواستن، حال دعا را به طور جدی از خدا بگیرد.
منبع: سخنرانی رهبر شهید
در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۸



مرض اِبْلاس

آیت‌الله جوادی آملی(حفظه‌الله):
قرآن عده‌ای از انسان‌ها را مبتلا به «اِبْلاس» معرفی می‌کند، شاید اِبْلاس، که همان اندوه فراگیر و گسترده ناشی از یأس باشد، مخصوص کسانی است که فطرت توحیدی آنها خاموش شده و هیچ راهی برای لابه و تضرع ندارند زیرا همه مجاری درک شهودی را عمداً به روی خود بسته‌اند.
منبع: کتاب فطرت در قرآن
صفحه ۲۹۷



همت عالی از خانواده صالح پیدا می‌شود

آیت‌الله حاج سیدرضا بهاءالدینی(ره):
انسان، خودبه‌خود همت و لیاقت ندارد. همت عالی از بیوت صالح پیدا می‌شود. بیتی که در آن عبادت خدا شده باشد، خانواده‌ای که بنده حق باشد، اولادشان هم همت عالی و لیاقت کامل پیدا می‌کند. فرزندان خانه‌ای که در آن، پدرومادر اهل تهجد و نماز بوده‌اند و اهل محرمات نبوده‌اند، تقربشان به خدا به‌مراتب نزدیک‌تر است. کسانی که از بیوت صالح هستند، شکر این نعمت را بکنند.
منبع: کتاب نردبان آسمان
صفحه ۱۵۵



گفتاری از مرحوم آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی(ره) در باب حالات کامل کننده نماز

آن که با دنیا شاد شد با خدا و مناجات شاد نمی‌شود

تهیه و تنظیم: محمدصادق عبداللهی

نماز از جمله بالاترین عبادات و از موکدات دین مبین اسلام می‌باشد که همواره مورد توجه خاص بزرگان و عالمان دینی قرار داشته است. در این میان، عارفان و فقهای بزرگی همچون آیت‌الله بهجت(ره) همواره بر این نکته کلیدی تأکید داشته‌اند که باید بکوشیم هر نمازمان از نماز قبلی بهتر و بالاتر باشد. در همین راستا و برای دستیابی به عمق معنوی این فریضه الهی، در ادامه تلخیص گفتاری ارزشمند از مرحوم آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی(ره) را به استناد کتاب «اسرار الصلاة» ایشان، صفحه ۲۵۱ تا ۹۵۱ (با ترجمه صادق حسن‌زاده و علی خلیلی) پیش روی شما قرار داده‌ایم. امید است که مطالعه این کلمات نورانی، گامی مؤثر در جهت ارتقا معرفت دینی و تعمیق پیوند معنوی ما با این عبادت بزرگ باشد.

حالاتی که نماز به وسیله آنها کامل می‌شود و عقل به لازم بودن آنها دستور داده است و شریعت درباره آن سخن گفته‌شش تاست: ۱) حضور قلب ۲) فهمیدن ۳) بزرگداشت؛ ۴) هیبت ۵) امید و ۶) شرم و حیا.

■ حضور قلب و فهمیدن

مراد از اولی این است که دل با نماز باشد نه چیز دیگر؛ به‌گونه‌ای که از نماز غافل شود اگرچه حضورش در ظاهر حالات و اقوال و نه در عمق آن باشد و این اندازه در تحقق حضور دل کافی است و انواع چندگانه و اقسام مختلفی دارد: گاهی دل در جهتی از آن جهان حاضر است. مانند بودن آن در حضور خداوند درحالی که از حضور نزد فعل یا کلمات به‌خصوصی بازمی‌دارد یا مقید و مشغول بودن به ادای صحیح چنان که توجهی به عمل یا کلمه خاصی ندارد یا درپی ادای درست حروف و مخارج حروف یا لحن عربی‌اش یا در پی درست‌کردن أعمال صوری نماز بودن و گاهی مشغول شدن به فکر در معنای عملی یا کلمه‌ای حاضر است مانند مشغول شدن به معنای تکبیر یا قیام و رکوع و جز آن با همین فکر تا پایان نماز و کامل‌ترین نوع، آن است که دل با هر عمل و کلامی در نماز مخصوص به خودش حاضر بوده، حضور پروردگار را رعایت کرده و متوجه باشد که نماز را در پیشگاه او ادا می‌کند و در جزئی که انجام می‌دهد فکر به جزئی دیگر او را از این جزء فعلی باز ندارد. این معنای دوم را هم که تفهم است دربر می‌گیرد؛ چون آن عبارت از حضور قلب نزد معانی کلمات و اعمال است و کسی که در آغاز راه است، باید معنای هر عمل و کلامی را به اجمال، پیش از انجام آن ملاحظه کند، سپس آن را با توجّه و التفات به حقیقتش آغاز کند. در چنین صورتی است که اندیشه غرق در فهم حقایق اذکار است و همین اساس تکلیف نمازگزار است و به این وسیله است که اغلب آثار والای به ودیعت نهاده شده در این معجون الهی به دست می‌آید زیرا دل با اندیشه در این رازهای بزرگ و احوال صفات والا و جایگاه بلند شناخت و معرفت، رفعی از حضیض عالم طبیعت به سوی ملکوت اعلی را به دست می‌آورد، و آن‌گاه دلش برای دریافت حقایق قرآنی و اسرار هستی آماده می‌شود و این احوال است که نمازگزار را از فحشا و منکر باز می‌دارد.

■ بزرگداشت، هیبت، امید و شرم

فهم باید با مسئله سوم که بزرگداشت و تعظیم است همراه باشد زیرا تنظیم احوالی است که سرچشمه‌اش علم به عظمت خداوند بزرگ و حضور و توانایی‌اش بر آنچه که می‌کند از رد و قبول و از اکرام و توهین است و هنگامی که بنده در نمایش بزرگی کسی را که در پیشگاهش با او مناجات می‌کند دریافت و این را فهمید یا احسان می‌کند و فرمانبرداری‌اش را می‌پذیرد، پس به صورتی زیبا و بزرگ اکرامش می‌کند یا به عدل خود و استحقاق صدق و اخلاص او بازخواست می‌کند که رد می‌کند و او را به عذابی دردناک دچار می‌کند، باید از خطر این مقام بهراسد. هراسی که ناشی از بزرگداشت است، عبارت از مسئله چهارم است که همان رهبت است و با این همه، اگر به هوش باشد و به کارهای نیکوی خداوند با بنده‌اش و دیگر صفات زیبایش بنگرد دلش به امید گرم می‌شود و از زشت‌کاری و تقصیر و استقبال از احسان و نیکوکاری [او] با کفران و زشت‌کاری [خود]، شرم می‌کند و این همه سخن درباره این مسائل [شش‌گانه] است و با امید و حیا خصلت‌های شش‌گانه تمام می‌شود.

■ آغازین سبب همه خصلت‌ها

آغازین سبب همه این خصلت‌ها، همت است. زیرا دل تابع همت است و هرگاه انسان به کاری اهتمام کند، دلش با همان خواهد بود. و سبب همت، ایمان است و تصدیق به اینکه آخرت بهتر و ماندنی است و نماز (وسیله‌ای به سوی آن است)، پس هرگاه ایمان به‌وجود آمد، همت هم به دست خواهد آمد اگر دنیا مانع نشود و ایمان به‌تنهایی تا وقتی که با دل کندن از دوستی دنیا و اسباب بازدارنده دل از آخرت و نماز و هرآنچه که با ذکر و فکر در تضاد است تقویت نشود در بقای همت سودی ندارد که محبت به محبوب خاطرها را به سوی او می‌کشد زیرا کسی که چیزی را دوست داشت فراوان یادش می‌کند و برای همین خصلت است که می‌بینی یک نماز که از این خطورات سالم باشد به ما دست نمی‌دهد حتی با کوشش بسیار. پس [کار] عمده در حاضر کردن دل، برداشتن مانع و بازدارنده‌اش یعنی تبدیل دوستی دنیا به دوستی آخرت یا دوستی خداوند است.

■ ۲ دسته بازدارنده از نماز

بازدارنده و مانع دوگونه است: اثر برخی با مسکن و آرام‌کننده و أنیز] تقویت مقتضی [محبت به آخرت] از بین می‌رود مانند اینکه کسی مجذوبش به دنیاندک باشد و [هنوز] مالک جانش نشده باشد. چنین مؤمنی اگر مسیر ورود حواس ظاهری را ببندد به این صورت که در خلوت و جایی تاریک نماز گذارد تا آنچه او را از تدبر در نمازش باز می‌دارد از بین برود، همین برای نفس از تفکر در آنچه از طریق ملکه و عادت به ذهنش می‌آید کافی است.

نوع دیگر، بازدارنده و مانعی است که آرام‌کننده و مسکن سودش نمی‌بخشد بلکه مسهلی می‌خواهد که بیماری و اخلاط الردیه را با کنده شدن از شهوات و وابستگی‌های دنیا از رگ‌های اعمال قلبش قطع کند زیرا هرگاه که خواست دل را به حضور در نمازش و تفکر در افعال و اقوال آن وادارد، شهوت‌ها به اندیشه در خود و راه‌های دستیابی به آن و از بین بردن موانع و اشتغال به آن باز می‌گرداند. آن‌گاه تو همواره دلت را به سوی نماز می‌کشی و شهوت‌های دلت را به فکر خود می‌کشند تا نماز تمام می‌شود. درحالی که همه نماز در کشاکش سپری شده است. مثال این مانند مردی است که به زیر درختی نشسته [و] می‌خواهد همهٔ توجّهش را برای اندیشه آنچه اراده کرده است فراهم کند آن‌گاه که فکرش صاف می‌شود در آن حال، صدای گنجشکانی که بر درخت‌اند فکرش را به هم می‌ریزد، پی درپی با چوبی آنها را می‌راند و بازمی‌گردد و به فکر می‌نشیند پس گنجشکان بازمی‌گردند و او با چوب باز می‌گردد و آنها را فرار می‌دهد؛ به او می‌گویند این کار، تو را از قصدت باز می‌دارد و تمام [هم] نمی‌شود، پس اگر خلاصی خواستی، درخت را بینداز. شهوت‌ها نیز چنین‌اند. وقتی قوی شد و شاخه‌هایش بسیار شد افکار و خطورات از وجوه مختلف به سویش کشیده می‌شود. و این شهوت‌ها بسیارند و ریشه درخت شهوات، دوستی دنیاست. چنین کسی مسلّماً نباید طمع داشته باشد که طعم دوستی خداوند را چنان که سزاوار است، بیابد. آن که با دنیا شاد شد با خدا و مناجات با او شاد نمی‌شود. البته مسئله از میان برداشتن خطورات ذهنی، از آنچه گفتیم سخت‌تر و مشکل‌تر است و مرضی سخت از پا درآورنده. در برطرف کردن آن کوششی عظیم و پناه بردن به خداوند از حقیقت اضطرار و بیچارگی لازم است.

■ کوشش را نگهدارید

امّا آنچه میسور و دست‌یافتنی است به‌خاطر آنچه سخت و دشوار است، رها نمی‌شود، پس بر عاجزانی همچون ماست که کوشش را نگهدارند و سزاوار است که دل را به آن اندازه که می‌توانند به نماز متوجه کنند و از سبب‌های دل‌مشغولی بکاهند و خلاصه به مسکن و آرام‌کننده‌ها عمل کنند. این مسکن‌ها تهی از سود هم نیستند و چه‌بسا نسیم‌های پروردگار آن را دریابد و فایده‌اش را بسیار کند.

از این خصلت‌های شش‌گانه‌ای که بیان کردیم در نماز از آن جهت که نماز است، لازم هستند. اگرچه برای برخی اجزای نماز خصوصیتی هست که با برخی از این خصلت‌ها مناسبت بیشتری دارند. چنان‌که حال تشهد و سلام بی‌تردید از دیگر خصلت‌ها با امید و شرم مناسب‌تر است و حال قیام و رکوع و سجود با تعظیم و هراس مناسب‌تر است و برای هریک از اجزای آن از اقوال و افعال نیز حال مخصوص به آن است.

دل تابع همت است و هرگاه انسان به کاری اهتمام کند، دلش با همان خواهد بود. و سبب همت، ایمان است و تصدیق به اینکه آخرت بهتر و ماندنی است و نماز (وسیله‌ای به سوی آن است)، پس هرگاه ایمان به‌وجود آمد، همت هم به دست خواهد آمد اگر دنیا مانع نشود



اللهم حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِینَ

اولیا و علما از راهکارهای اعتلای نمازهای یومیه را آموختن اذکار و ادعیه جدید برای ذکر قنوت دانسته‌اند. در این راستا فرازهایی از دعاهای واصله از ائمه معصومین(ع) می‌تواند طعم شیرین عبادت را به نمازگزار بچشاند. در این ستون به صورت هفتگی ادعیه‌ای به اشتراک گذاشته خواهد شد.
در فراز نهم از دعای هفتم صحیفه سجادیه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ أَيِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ، وَ أَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَتِكَ.» خدایا، بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرزهای مسلمانان را به نیروی غالب خویش استوار و ایمن گردان و مرزبانان را به قدرت خود مدد فرما و آنان را از خزانه بی‌پایان خود عطای بسیار ببخش.



فوراً حرکت کن!

آیت‌الله عبدالقائم شوشتری(ره):
در کافی در جلد دوم، در باب سعی در رفع حاجت مؤمن نقل کرده است: روزی صفوان در محضر امام‌صادق(ع) نشسته بود که ناگهان مردی که برایش گرفتاری پیش آمده بود به خدمت حضرت رسید و گرفتاریش را شرح داد. امام صادق(ع) به صفوان دستور فرمودند که فوراً حرکت کن و برادر ایمانی خویش را در کارش یاری کن. صفوان رفت و پس از توفیق در اصلاح کار و حل مشکل او به پیش حضرت برگشت. امام(ع) در مورد کار او سؤال نمودند. صفوان گفت: «خدا اصلاح کرد.» حضرت خطاب به او فرمودند: «بدان که همین کار به ظاهر کوچک و حاجتی که برآوردی و وقت کمی از تو گرفت از هفت شوط طواف دور کعبه محبوب‌تر و برتر است.»
سپس امام صادق(ع) این چنین به فرموده خویش ادامه دادند: مردی گرفتاری داشت. حضور امام حسن(ع) رفت و از ایشان استمداد نمود. امام حسن(ع) بی‌درنگ کفش‌ها را پوشیده و راه افتادند. در بین راه به حضرت امام حسین(ع) رسیدند در حالی که ایشان مشغول نماز بودند. امام حسن(ع) به آن مرد فرمودند: «تو چگونه از حسین غفلت نمودی و پیش او نرفتی؟» گفت: «من اول می‌خواستم پیش ایشان بروم و از ایشان در کارم کمک بطلبم، ولی چون گفتند ایشان اعتکاف کرده‌اند و نمی‌توانند از مسجد خارج شوند، خدمتشان نرفتم.» امام حسن(ع) فرمودند: «اگر توفیق برآوردن حاجت تو برایش دست داده بود از یک ماه اعتکاف برایش بهتر بود.»
منبع: کتاب غم عشق (گام‌های نخستین در سیروسلوک)؛ صفحه ۱۸۰ و ۱۸۱



رزقی که از ما گرفته می‌شود!

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی(ره):
پیامبر(ص) درباره تأثیر گناه در محروم گشتن از روزی می‌فرمایند: «ای ابوذر! چه بسا شخصی که به سبب گناهی که می‌کند از روزی مقرر شده‌اش، محروم می‌گردد.» این بیان دیگری است، برای توجه دادن به آثار بدی که گناه در این دنیا برای انسان در بردارد و محرومیت‌هایی که از گناه ناشی می‌گردد... از جمله ضررهای دنیوی گناه، محروم گشتن از روزی است. از جمله مصادیق روزی رزق، خوراک و پوشاک است. در روایات فراوانی آمده است که خداوند متعال برای هر جنبنده‌ای رزقی مقدر فرموده است و این تقدیر گاهی تقدیر حتمی و گاهی معلق است؛ یعنی بر اثر برخی اعمال کم یا زیاد می‌شود. برخی اعمال خیر موجب زیاد شدن روزی و برخی اعمال شر موجب کم شدن آن می‌شوند. اگر ما بدانیم رزقی که برای ما مقرر شده است –و گاهی با تلاش به دست می‌آید و گاهی بدون تلاش خداوند به ما ارزانی می‌کند –به سبب گناه از ما گرفته می‌شود، کمتر به دنبال گناه می‌رویم.
منبع: کتاب ره‌توشه؛ جلد ۱؛ صفحه ۱۱۰ و ۱۱۳ (با تلخیص)



اینجا بوی نماز می‌آید

به تازگی از کرمانشاه عازم نجف شده بود. صدای خوش‌الحان اذان ظهر که از گلدسته‌های حرم باصلابتِ حضرت امیر به گوش رسید، به یاد توصیه علمای شهرش افتاد که مرتب تأکید می‌کردند: «آقا عبدالله، اگر به زیارت حرم امیرالمؤمنین رفتی، حتماً در نماز جماعت آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی شرکت کن.» تعدد توصیه‌ها و سخن معروف آقا میرزا جواد آقای انصاری همدانی درمورد نماز آقا سید جمال، او را بیش از پیش مشتاق می‌کرد، حال و هوای نماز جماعت آقا سید را تجربه کند. داستان آقا میرزای انصاری از عرفای بزرگ و به‌نام همدان، از این قرار بود که ایشان وقتی برای اولین بار به زیارت امیرالمؤمنین(ع) مشرف شدند با آقا شیخ محمدتقی لاری که از شاگردان آیت‌الله سید علی آقای قاضی بودند، در صحن مطهر از کنار مسجد بالاسر عبور می‌کردند که ناگهان آقای انصاری ایستادند و چنان که عطر لطیفی به مشامشان رسیده باشد، چشم بستند و نفسشان را از هوای پیچیده در فضا پر کردند. سپس از آقا شیخ محمدتقی لاری پرسیدند: «اینجا چه کسی نماز می‌خواند؟» ایشان عرضه داشتند: «آقا سید جمال‌الدین گلپایگانی.» آقا میرزا جواد دوباره نفس عمیقی کشیدند و گفتند: «از اینجا بوی نماز می‌آید.»
حال عبدالله به حرم رسیده بود و در انتظار تجربه نمازی باصفا لحظه‌شماری می‌کرد. پس هنگامه نماز ظهر و عصر که رسید، به شبستان بزرگ مسجد بالای حرم رفت. با وجود گرمای هوا، مسجد شلوغ و انبوه از جمعیت بود. آقا سید جمال رو به محراب ایستادند و نماز را سریع خواندند و به اتمام رساندند. عبدالله که توقع چنین نمازی را نداشت، با خود گفت: «این آقا که خیلی تند نماز می‌خواند! ما با این آرزو آمدیم که در یک نماز با لطف و صفا شرکت کنیم!» در همین افکار بود که آقا سید جمال برخاستند تا از مسجد خارج شوند، اما درمیان راه به سمت او آمدند و بدون مقدمه گفتند: «الان ظهر است برادر! بعضی از مردم کسبه هستند و یک پرده می‌کشند جلوی مغازه‌شان تا در نماز شرکت کنند و بروند. خواندن نماز طولانی در این شرایط، روا نیست.» این را گفتند و از در بیرون رفتند.
منبع: کتاب «خدا را به شما می‌سپارم»؛ صفحه ۱۴۵ و ۱۴۶